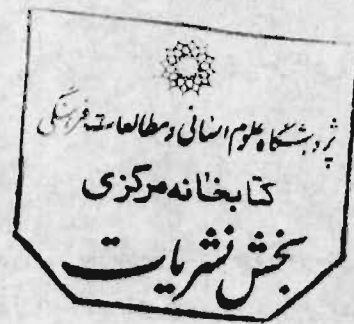


پنجاه سال بعد



فدریکو مایور



ماشین نیست که بتوان عیب آن را با روغنکاری یا با تعویض مکرر قطعات برطرف کرد. ما با خواستهای میلیاردها انسان سراسر جهان سر و کار داریم، انسانهایی که لازم است زمان حال قابل تحمل تری برایشان فراهم کرد و درعین حال آنها را قادر ساخت که با رعایت شأن و فرهنگ خود آینده را همچون پروژه‌ای در نظر بگیرند که معیشتشان را تأمین کند و در آن با خلاقیتی که مایه رشک دیگران شود، سهم داشته باشند. این نیاز مبرم به فعالیت وابسته به یکدیگر نیز مستلزم اصلاح سرتاسری نظام سازمان ملل متحد است. هدف این نظام مواجهه با مسائل جهان پس از جنگ بود، اما برای برخورد با چالشهای زمان حال و آینده آمادگی کافی ندارد. ما باید با تمام صداقت بپذیریم که برای پیشبرد توسعه، کوششهای جامعه بین الملل در خلال پنجاه سال گذشته به نتایج مطلوب است. وعده‌های ثروتمندترین کشورها، در حدود بیست و اندی سال پیش، برای کمک به توسعه فقیرترین کشورها، در واقع عملی نشده است، درحالی که حرکات عظیم سرمایه و نیروهای بازار به گونه‌ای روزافزون از کنترل دولتها خارج می‌شود.

تعمداتی که ما به عهده گرفته‌ایم در بیشتر موارد با شکست رو به رو شده است و تأکیدی که اکنون بر عملیات پاسداری از صلح می‌شود - با نتایجی که مبالغ هنگفت صرف شده را توجیه نمی‌کند - نشان می‌دهد که منطق حاکم هنوز پاسخگویی به فوریتهاست. اما امروز ثبات و امنیت بین المللی از عرصه نظامی فراتر رفته است و به مجموعه‌ای از موازین اقتصادی، مالی، سیاسی، آموزشی، علمی و فنی بستگی دارد که باید به شیوه‌ای هماهنگ تدوین شود و به موقع به کار آید. بنابراین ما باید هرچه زودتر برداشت خود را از نقش سازمان ملل اصلاح کنیم. ما برای لشکرکشی به منظور «برقراری مجدد» صلح، و سپس برای ترمیم، تعمیر و بازسازی صدمات و ویرانیهای ناشی از جنگ هزینه کلانی تقبل می‌کنیم، درحالی که باید با ریشه کن کردن علل زیربنایی

همه ما می‌دانیم که نابرابریهای موجود در جهان امروز فضاحتی است که باید بدان پایان داد. این را نیز می‌دانیم که سنگینی بار بدهیها را باید سبک کرد تا بتوان روندی صعودی را که فقرا را فقیرتر و اغنیا را غنی‌تر می‌سازد متوقف سازیم. ما می‌دانیم که لازم است آموزش و پرورش حرفه‌ای مادام‌العمر تشویق و توسعه علمی و فنی تقویت شود تا کشورها بتوانند به سازندگان سرنوشت خود مبدل شوند، نوسازی شهری و توسعه روستایی تسهیل شود، رعایت قانون و آزادی بیان تضمین گردد، استقلال قوه قضائیه تأمین و اصول دموکراتیک در اعمال روزمره تحکیم شود.

ما همه اینها را می‌دانیم. اما اکنون زمان عمل است، در وهله نخست در سطح ملی. تصویب بیانیه‌ها، استراتژیها و منشورها بی‌فایده خواهد بود مگر آنکه کشورها طرحهایی معین با هدفها و زمانبندی دقیق را به عهده بگیرند و تغییرجهتهایی را که اکنون اجتناب‌ناپذیر شده‌اند - پیش از آنکه دیر شود - در پیش بگیرند. باید در رفتارها و نگرشها نسبت به مصرف انرژی و مواد خام، تولید و اشتغال و همچنین رفاه دگرگونی ایجاد شود. این دگرگونیها مستلزم صرف وقت، تلاش پیگیر و جهان‌بینی درازمدت است؛ اما متأسفانه آشتی دادن خواستهای سیاست ملی با مسائل میان‌مدت و درازمدت دشوار است. هنگامی که امور به وضوح بیراهه می‌روند و عدم تعادلها آشکار می‌شوند، دول معظم نخست ترجیح می‌دهند تعدیلهایی را توصیه کنند و سپس تدبیرهایی اصلاحی به کار می‌بندند تا با آثار غالباً مخرب این تعدیلهای مقابله کنند. آنها درصدد برمی‌آیند که به جای کمک به کشورها و ملتها به منظور تدوین برنامه خود برای آینده، الگوهای را از خارج منتقل - یا حتی تحمیل - کنند.

هرچند درست است که تاریخ همچنان به پیش می‌رود، تاریخ معاصر - تاریخی که در آن به سر می‌بریم - جزئی از

بنا کنیم؛ فرهنگی که خشونت را طرد می‌کند و در پی یافتن راه‌حلهایی برای مسائل از طریق گفتگو و مذاکره است؛ فرهنگ پیشگیرانه‌ای که می‌کوشد به ریشه مناقشات دست یابد و تا حد امکان آن را از پیشروی باز دارد.

توسعه برای صلح و صلح برای توسعه - این است دو انگیزه فعالیت ما. کمک به ضعیفترین، بازگرداندن مطرودین به جامعه، تسهیل کاربرد حقوق مدنی و مشارکت تمامی مردم در توسعه، فراگیری زیستن در کنار یکدیگر و سازندگی به کمک یکدیگر، به‌رغم اختلافها و تفاوتها - این است هدفهای ما.

کشمکشها، یعنی فقر، بی‌عدالتی اجتماعی، ستم سیاسی و تبعیض و انحصارطلبی در همه اشکال آن، خود جنگ را نابود کنیم. زمان آن فرا رسیده است که منشور را به تمامی به اجرا درآوریم و از برداشتی از نقش سازمان ملل که بنا بر آن پاسداری از صلح و وظیفه اصلی است به برداشت بلندپروازانه‌تری روی آوریم: پیشگیری از کشمکشها و بنای صلح.

تاکنون صلح در نقاطی راه گشوده است که جوامع آن توانسته‌اند همبستگی و پیشرفت خود را درحالی تأمین کنند که حقوق بشر را مراعات، ساختارهای دموکراتیک را برقرار و توسعه را به تعهد مشترک مبدل کرده‌اند، یعنی تضمین می‌کنند که ثمرات آن به‌نحوی عادلانه تقسیم شود. اما امروز بسیاری از جوامع در معرض تهدید دشمنان بی‌چهره‌ای قرار دارند: بیکاری، فقر و انحصارطلبی که با وجود اعمال ضوابط اضطراری در برخی موارد، روز به‌روز بدتر و بدتر می‌شود. حتی آنجا که تا پیش از این تساهل معمول بود، حرکت به سوی بیگانه‌ستیزی پیوسته آشکارتر می‌شود و ندای شوونیستی یا نژادپرستانه که به‌نظر می‌رسید به گذشته تعلق دارد، امروز بیش از پیش به گوش می‌رسد و برخی از روشنفکران که قادر به دیدن فراسوی مرزهای ملی نیستند، این ندا را تعقیب و گاه تشدید می‌کنند.

خشم پاسخی ناکافی به این وضعیت است. ما باید برای خطرات واقعی که اکنون در هیأت انحصارطلبی، انحطاط و تباهی شهر و روستا، مهاجرت‌های دسته‌جمعی، وخامت وضع محیط‌زیست، بیماریهای همه‌گیر و قاچاق اسلحه و مواد مخدر، امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند، پاسخ دندان‌شکنی بیابیم.

در محدوده خاص یونسکو، ما باید نیروهای ذهن بشر را در جهت این هدف بسیج کنیم. باید تلاشهای خود را بر توسعه منابع انسانی متمرکز کنیم و پس از چندین دهه اتخاذ استراتژیهای مبتنی بر رویکرد تنگ‌نظرانه اقتصادی، به سوی آنچه در قلب توسعه نهفته است، یعنی فرد انسان، بازگردیم. ما می‌آموزیم که در آن سرمایه نامحسوس، یعنی خلاقیت انسان، و در اکتساب انتقال و گردآوری دانش، که کلید هر روند راهی‌بخش فردی و جمعی است، سرمایه‌گذاری کنیم. راهی را هرگز نمی‌توان در انزوا به‌دست آورد. بلکه فرهنگها با روح پذیرندگی و کنش متقابل نیرومند می‌شوند و شخصیت‌های فردی با برخورد و جستجوی «دیگران» شکل می‌گیرند.

برای مقابله با فرهنگ جنگ ما باید فرهنگ صلح، فرهنگ همزیستی را بر شالوده اصول آزادی، صداقت و دموکراسی، تساهل و همبستگی و بر رعایت همه حقوق بشر

کبوتر نمادین صلح در لیل‌هامر (نروژ).

